

داده و متن پاسخ شهید در سایت مرکز نشر آثار و اندیشه‌های شهید موجود است ضمن آنکه هیچ یک از اتهام‌زنندگان نه آن روز و نه امروز سند یامدرکی دال بر اثبات این عضویت ارائه ندادند بلکه برعکس زمانی که یاران شهید در مقابله با ریاست جمهوری بنی‌صدر با طراحی شهید در دفتر انقلاب اسلامی متحصن شده و بنی‌صدر را به مناظره و بحث آزاد با دیالیمه دعوت کردند بدان امید که چهره واقعی‌اش برای ملت ایران آشکار شود، رسماً انجمن حجتیه اطلاعیه داد که این افراد از ما نیستند. (روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۵۹/۱۱/۱۶ تکذیبیه انجمن حجتیه مهدویه). این خود یکی از مهم‌ترین ادله در کذب این اتهام ناجوانمردانه است.

■ **زمینه‌ای که باعث شد علمای تراز اول مشهد همچون آقا میرزا حسن علی مروارید، مرحوم میرزا مهدی نوقانی و مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی در انتخابات از او برای نامزدی دعوت کنند چه بود؟**

یکی از ویژگی‌های مهم شهید دیالمه که در میان قشر روشنفکر دانشگاهی به ویژه از متفکران و صاحب‌نظران کم دیده شده ارتباط وثیق و ایمانی شهید با روحانیت اصیل شیعی بود. اوبه جد معتقد بود که حقیقت اسلام را باید از طریق علمای بزرگ شیعی که جانشینان اهل بیت علیهم‌السلام در عصر غیبت هستند دریافت کرد و خود کوشید تا آنچه در منابع اصیل و تراث شیعی از این علمای بزرگ وجود دارد بهره برده و خود ترجمان آن حقایق به زبان جوان دانشگاهی بود. سخنرانی مهم شهید در عرصه دانشگاه تحت عنوان «مرجعیت و روحانیت» و دفاع عالمانه از آن به هدف نشان دادن نقش تاریخی علمای شیعه در حفظ حقایق دینی شاهی بر این مدعا است و از آنجا که خود به آنچه می‌گفت عامل بود حیات‌اش از عنفوان جوانی عجین با ارتباط تنگاتنگ با علما بود؛ بزرگانی چون آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله مرعشی نجفی (به جهت اینکه پدر و مادر مقلد ایشان بودند)؛ آیت‌الله میلانی؛ علامه عسکری و دیگر علمای تراز اول حوزه علمیه مشهد که خود نام بردید. طبیعتاً روشن شدن تفکر شیعی خالص شهید در ارتباط با این بزرگان که در رفتار و تقیدات دینی و اخلاقی او نیز مشهود بود سبب شد که این علما که اتفاقاً بسیار هم اهل احتیاط بودند و به راحتی کسی را آن هم از فضای دانشگاه تأیید نمی‌کردند از ایشان حمایت کنند؛ و البته این حمایت‌ها محدود به انتخابات نبود.

■ **در شرایطی که خیلی از علما به دلیل مباحثی همچون «اقتصاد اسلامی» و سوابق مبارزاتی طرفدار بنی‌صدر بودند، بر اساس چه تحلیلی شهید دیالمه به فاجعه بودن ریاست جمهوری بنی‌صدر رسیده بودند؟ ریشه این تحلیل چه بود؟**

ببینید شهید دیالمه یکی از تفاوت‌هایش با دیگران در این بود که نسبت به تفکرات و اندیشه‌ها حساس بود؛ معمولا افراد نسبت به رفتارها حساس هستند و نه تفکرات، طبیعتاً اینچور افراد اگر تفکر کسی در رفتارشان نشان داده نشود یا حتی بخواهند مناقضانه اندیشه‌شان را پنهان کنند نمی‌توانند شناخت خوب داشته باشند و اینکه شهید دیالمه می‌توانست گاهی درباره عملکرد افراد قبل از بروز کردن رفتارشان سخن بگوید به خاطر این بود که به تفکرات توجه می‌کرد؛ البته نه اینکه به عملکرد توجه نداشت، مقصودم این است که اول به تفکرات توجه می‌کرد بعد به عملکردها. نکته دوم اینکه شهید

دیالمه محک و معیار داشت شاخصه‌هایی که در بطن منابع اصیل دینی (قرآن و روایات) وجود دارد. او اندیشه‌ها را با آن شاخصه‌ها و نه با سلیقه شخصی یا ملاحظات سیاسی و جناحی محک می‌زد. در واقع همه را از زاویه اعتقادات دینی نگاه می‌کرد و مخالفتش با افراد بر اساس مبانی دینی بود. در مورد شخص بنی‌صدر هم چون شهید قبل از ریاست جمهوری کتاب‌های ایشان امثال «تعمیم امامت» را مطالعه کرده بود و دریافته بود که ایشان نگاهش به امامت، امامت اصیل شیعه نیست (همان طور که از اسم کتاب معلوم است!) خوب فهمیده بود کسی که درباره امامت این گونه است روشن است که اعتقادش به ولایت فقیه چه خواهد بود! البته مستندات دیگری هم در حوزه عملکرد به کمک دوستانش جمع کرده بودند مثل اینکه در مجلس خیرگان تدوین قانون اساسی در جلسه رأی‌گیری برای اصل ولایت فقیه، بنی‌صدر حضور نداشته یعنی به این اصل رأی نداده! یا مستندات سفر بنی‌صدر به اسرائیل و استقبال رسمی از او و مانند اینها... نهایتاً تحلیل شهید این بود کسی که به ولایت فقیه اعتقاد ندارد اگر در رأس نظام قرار بگیرد، طبیعتاً نظام را به ناکجا آباد خواهد برد لذا معتقد بود که ریاست ایشان برای جمهوری اسلامی یک فاجعه است.

■ **حضور ایشان در حزب جمهوری اسلامی چگونه رقم خورد و تا چه اندازه این عضویت بر عملکرد ایشان مؤثر بود؟**

شهید دیالمه عضو حزب جمهوری اسلامی نبود، حتی کاندیدای حزب هم هنگام انتخابات نبود. ایشان شخصیتی مستقل بود، اما با همه نیروهای اصیل انقلابی خالصانه همکاری می‌کرد به همین جهت در جلسات حزب نیز حسب نیاز شرکت کرده و با بزرگان انقلاب همفکری داشت و با همه توان و امکاناتش برای تقویت جمهوری اسلامی و دفاع عالمانه از آرمان‌های انقلاب تلاش کرد، حتی در مخالفت جدی ایشان با میرحسین موسوی به عنوان اینکه سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی و متعلق به حزب بود؛ شما این جمله صریح و صادقانه را از شهید شنیده‌اید که «من اینها را نه به حساب حزب می‌گذارم و نه به حساب عناصر مخلص و متدینی که درون حزب هستند، بلکه این انحراف را صرفاً متوجه شخص خود ایشان (میرحسین موسوی) می‌دانم.»

■ **ایشان درباره میرحسین موسوی نیز نظرات انتقادی داشت. با توجه به جایگاه ممتاز موسوی در حزب جمهوری اسلامی ریشه این تحلیل چه بود؟**

شهید دیالمه افراد را از زاویه مبانی اعتقادی می‌دید و آنهایی را که تفکرات‌شان با مبانی اسلامی زاویه داشت اگر قرار بود در مسئولیتی حساس قرار گیرند، بر نمی‌تایید. تأکید می‌کنم نباید این گونه فکر کنیم که شهید دیالمه با هرکس که زاویه‌ای با اسلام داشت پرچم مخالفت برمی‌داشت، خیر اگر خطری از ناحیه آنها نسبت به اسلام و انقلاب حس می‌کرد، به دنبال علاج بود یعنی اگر قرار بود به آن آدم مسئولیت مهمی داده شود یا با نشر دیدگاه‌هایش راه را برای فهم حقیقت برای دیگران می‌بست، دیالمه هشدار می‌داد و اگر غیر از این بود، شهید وارد این عرصه‌ها نمی‌شد. حساسیت شهید نسبت به مسأله نفوذ چیزی بود که شهید آن روز می‌دید و برخی ساده‌انگاری می‌کردند. میرحسین موسوی و زهرا رهنورد هم از جمله افرادی بودند که اندیشه آنان در همان سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب برای این شهید آشکار شده بود و با توجه به اسنادی که جمع‌آوری کرده بود،



سعی کرد هشدار دهد. برای شخصیتی چون شهید دیالمه، صرفاً داشتن سابقه مبارزاتی یا عضویت در گروه‌های خط امامی از جمله حزب جمهوری اسلامی ملاک نبود که خیالش را راحت کند! به همین دلیل وقتی در روزنامه جمهوری اسلامی که ارگان رسمی حزب جمهوری اسلامی بود رد پای انحراف را تشخیص داد، بدون در نظر گرفتن تعارفات سیاسی و مصلحت‌های غیرشرعی انتقاد کرد و بارها به حضور برخی عناصر در حزب اعتراض کرده بود و از آنجا که تقوا را حتی در مخالفت‌ها هم بشدت رعایت می‌کرد، سعی داشت تا برای همه هشدارهایش استدلال‌های مستند و منطقی ارائه دهد. شهید دیالمه به دنبال کسب قدرت و رقابت برای قدرت نبود، او نگران اسلام بود، نگران همه دست‌های آلوده‌ای که می‌خواستند به اسلام و انقلاب ضربه بزنند.

■ **ارتباط ایشان با شهید بهشتی و مقام معظم رهبری چگونه بود؟ اگر خاطره‌ای دارید، بیان فرمایید.**

خب درباره شهید بهشتی که بعد از انقلاب به دلیل جایگاه ایشان و حضور شهید در مجلس این ارتباط تنگاتنگ کاری وجود داشت؛ اما در مورد مقام معظم رهبری این آشنایی به سال‌های قبل از انقلاب سال‌های ۵۴-۵۳ برمی‌گشت و حضور شهید در مسجد امام حسن مجتبی‌(ع) که محل برگزاری سخنرانی‌ها و نماز جماعت رهبری بود. پیشنهاد کاندیداتوری مجلس را هم رهبری به شهید داده بودند؛ در جلسه عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر هم ایشان مقداری از وقت خود را در اختیار شهید قرار دادند (فیلم آن موجود است) تا آخرین روزهای قبل از شهادت هم این ارتباط تنگاتنگ وجود داشت. خاطره‌ای را که به یاد دارم روز ترور مقام معظم رهبری است که ایشان را بشدت غمناک دیدیم، زمانی که در اوج ناراحتی خبر ترور ایشان را به ما دادند در حالی که عازم بیمارستان بودند.

■ **آخرین دیدار شما با ایشان کی بود؟ اگر نکته‌ای یا توصیه‌ای داشتند، بفرمایید.**

آخرین دیدار یک روز قبل از شهادت ایشان بود، ما مطابق رسم چندساله خانواده، تابستان‌ها به خانه ییلاقی اطراف تهران که میراث مادر بود، می‌رفتیم. آن سال من و خواهرم مایل به رفتن نبودیم، چون می‌خواستیم در جلسات ایشان شرکت کنیم اما ایشان اصرار داشت که ما همراه مادر برویم، یادم هست که به ایشان گفتیم و قمتان آنجا تالف می‌شود ولی اینجا می‌توانیم در جلسات شرکت داشته باشیم. ایشان گفت: یعنی چه؟ من خودم سال‌ها در همان جا کتاب خواندم، شما هم بروید از فضای آرام آنجا استفاده کرده و کتاب بخوانید و خلاصه با اصرار ایشان ما روز شنبه صبح از تهران خارج شدیم که یکشنبه شب این اتفاق افتاد و دوشنبه صبح زود بعد از اطلاع از ماجرا به تهران برگشتیم. این آغاز غم‌انگیزترین روز زندگی ما بود، غمی که هرگز پایانی برای آن نیست، حتی گذران زمان نه تنها از آن کم نکرد بلکه عمقش و عظمتش بیشتر درک شد. البته پدر همان شب در تهران بود، در خانه‌مان که نزدیک سرچشمه و محل انفجار بود لذا همان شب از ماجرا مطلع شده بود.

■ **چگونه خبر شهادت ایشان را شنیدید؟**

ساعت ۱۲ شب که عرض کردم خارج تهران با مادر بودیم از رادیو خبر انفجار را شنیدیم ولی چون از حضور ایشان در آن جلسه مطلع نبودیم، متوجه نشدیم تا اینکه ساعت ۶ صبح مطلع شدیم که ایشان هم جزو شهدا بوده است. وقتی ساعت حدود ۸ صبح به تهران رسیدیم، دیدیم در خانه‌مان باز است و جمعیت زیادی در حیاط و تمامی اتاق‌ها با اشک و زاری و فریاد در انتظار ما نشسته بودند...

■ **از دیدارهایی که به عنوان خانواده شهید، خدمت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب داشتید، نکته یا خاطره‌ای به یاد دارید؟**

این دیدارها به شکل جمعی با کل خانواده‌های شهدای ۷ تیر در هر سال صورت می‌گرفت که بی شک برای همه بازماندگان این فاجعه عظیم ملامال از فضایی معنوی و آرامبخش بود.

■ **بجز موارد فوق، اگر نکته یا خاطره‌ای دارید، بیان کنید.**

شهید دیالمه را باید ترجمان یک راه دانست، راهی برخاسته از منابع اصیل اسلامی - شیعی که در سبک زندگی یک جوان مؤمن بصیر انقلابی نمود یافت، او خودش یک راه بود و دلیل اثربخشی‌اش در قلب‌ها هم همین بود که از راهی سخن می‌گفت که خودش پیشتاز آن بود. او چه در عرصه اندیشه و تبیین تفکرات شیعی و مبارزه با خطوط انحرافی و التقاتلی و چه در عرصه عمل فردی و اجتماعی و سیاسی، بسیاری از جوانان این مرز و بوم را آگاهانه با اسلام ناب محمدی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و در یک کلمه، راه بندگی خدا آشنا کرد. از این جهت برای جوان امروز یک الگوست از تربیت‌یافتگان مکتب امام، اگر کسی رهرو باشد. روحش شاد و در جاتش متعالی.